



بلندای معارف دعای رجبیه در بیان آیت الله جوادی آملی

دعای هر روز ماه رجب که محمد بن عثمان بن سعید آخرین نایب خاص از نواب اربعه ولی عصر(عج) از ناحیه مقدسه آن حضرت نقل کرده، با مضامین بلند خود به تبیین برخی از مقامهای ائمه اطهار پرداخته است.

دعای هر روز ماه رجب که محمد بن عثمان بن سعید آخرین نایب خاص از نواب اربعه ولی عصر(عج) از ناحیه مقدسه آن حضرت نقل کرده، با مضامین بلند خود به تبیین برخی از مقامهای ائمه اطهار پرداخته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت حلول ماه مبارک رجب، فرازهایی از کتاب «ادب فنای مقربان» اثر آیت الله جوادی آملی با موضوع تبیین بلندای معارف دعای رجبیه را از نظر می گذرانیم؛

آیت الله جوادی آملی در بخشی از این کتاب می نویسد: دعای هر روز ماه رجب که محمد بن عثمان بن سعید آخرین نایب خاص از نواب اربعه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ناحیه مقدسه آن حضرت نقل کرده، با مضامین بلند خود به تبیین برخی از مقامهای معنوی ائمه اطهار(علیهم السلام) پرداخته است که به نکاتی در یکی از برجسته‌ترین قسمت‌های آن، یعنی جمله «...فجعلتهم معادن لکلماتک و أركاناً لتوحیدک و آیاتک و مقاماتک الّتی لا تعطیل لها فی کل مکان؛ یعرفک بها من عرفک. لا فرق بینک و بینها إلاّ أنّهم عبادک و خلقک. فتقها و رتقها بیدک. بدوها منک و عودها إلیک...» اشاره می‌کنیم؛

الف. مراد از توحید در این جمله، توحید افعالی خدا است، زیرا اولاً وحدت سیاق (معادن کلمات الهی بودن، ارکان توحید و آیات و مقامات اوقرار گرفتن) تنها با توحید افعالی سازگار است. ثانیاً «...تعطیل» تنها در باره افعال الهی توهّم می‌شود که آن نیز با گسترش فیض در علم و عین نفی شده است؛ اما تعطیل در ذات اقدس الهی و نیز در اوصاف ذاتی وی که عین ذات اوست، اصلاً توهّم نمی‌شود.

ب. استمرار خلافت انسانهای کامل (ائمه اطهار(علیهم السلام)) و اینکه آنان مجرا و مجلای همیشگی فیض الهی‌اند، از لوازم اصلی تعطیل ناپذیری مقامات و تجلیات الهی است، چون فیض او تنها از راه وسایط به «قابل» می‌رسد، زیرا قابل توان دریافت فیض را بی‌واسطه ندارد، هرچند فاعل می‌تواند به هر موجودی فیض برساند.

ج. «...یعرفک بها من عرفک» ، مرادف «بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وَّحد الله تبارک و تعالی...» است که اشاره به معنای اول ارکان توحید بودن آن ذوات مقدس دارد.

د. «لا فرق بینک و بینها إلاّ أنّهم» درباره مقام ذات خدا نیست، زیرا ذات اقدس الهی منطقه ممنوعه‌ای است که انبیای الهی نیز از ورود به آن و ادراکش عاجز و راجل مانده‌اند، پس مربوط به مقام فعل اوست؛ یعنی هر کاری که از ذات اقدس الهی به صورت استقلالی برمی‌آید، از آنها به شکل تبعی برامی‌آید: «أنا أقول للشیء؛ یا ابن آدم! کن فیکون، أتعنی فیما أمرتک، أجعلک تقول للشیء؛ کن فیکون».

ه. «إلاّ أنّهم عبادک و خلقک فتقها و رتقها بیدک بدوها منک و عودها إلیک» به عدم استقلال آن ذوات مقدس اشاره دارد و اینکه تصرفات تکوینی و تشریعی آنها تنها ناشی از مقام خلافت الهی آنان است. تقدم عبودیت بر سایر اوصاف، مؤکّد این معناست.